

- تعریف مکاتب هنری

تعریف مکتب

ایسم / شیسم / سیسم / سیزم ← به معنای ← اصالت، اصول و رویه است.

↑ اگر به صورت پسوند به کار برود ← به معنای ← مکتب است.

ریشه واژه ← شیسم (Schisma) ← به معنای ← شکاف است.

مسلك هايي از از كليسا و مذهب كاتوليك منشعب يا كناره گيري مي كردند كه به آنها انشعاب يا اعتزال مي گفتند.
سبب تضعيف يا ايجاد شكاف در باور مذهبي جامعه مي نمود و به آن اصطلاحاً شیسم اين انشعاب ها يا اعتزال ها مي گفتند.

((بعداً کاربرد شیسم گسترده تر شد و هرگونه انشعاب و ايجاد شكاف در يك تفكري را شیسم ناميدند.))

پس بنابراین ؛ واژه ای که به شیسم (ایسم سیسم یا سیزم) ختم شود

عقیده ، مرام و مسلکی نو بنیاد است که با عقاید ما قبل خود در تضاد یا انشعابی از آن است

Ism ← انگلیسی

Isme ← فرانسه

Ismus ← آلمانی

پسوند

به صفت یا اسم می چسبند

رای، عقیده، ایمان، مذهب، گرایش و روش را می رساند

معادل فارسی برای آن ايجاد نشده است

و از پسوند هايي چون گر / گرايي / گرا / انگاري / انگار باور / باوري / خواهي / گفتاري / آئيني / روشي / ... براي آن استفاده شده

مثال ؛ سوسيالیسم ← جامعه باوري

ليبرالیسم ← آزادي خواهي

هلنیسم ← يونان گفتاري، يونان آئيني يا يونان گرايي

برای مطالعه بیشتر به این کتاب می توانید مراجعه کنید. کتاب خوبی است و بارها تجدید چاپ شده است.

شیوه فراگیری هنر و ایجاد اثر هنری در چهارچوب اصول مقرر که پیرو تعالیم استادی مشخص است را مکتب گویند.

مکتب در محیط جغرافیایی ایجاد می شود که گروهی از هنرمندان با هم حشر و نشر دارند + در مکتب گروهی از افراد به صورت متوالی یا غیر متوالی در حوزه اندیشه و عمل پیرو استادی واحد هستند و از او بهره می برند. + واژه مکتب اولین بار در قلمرو فلسفه و ادبیات به کار رفته است.

ویژگی های مکتب هنری

الف- روش هنری : خصلت های صوری و ساختار ظاهری و شاخص و ممتاز که در یک دسته از آثار هنری بکار می رود.

ب- سبک و اسلوب : سیاق روش هنری، برگرفته از واژه استایل STYLE

ج- زمان و مکان معین : دوره تاریخی و محدوده ای جغرافیایی

د- استاد : پیروی از استاد یا استادانی با اسلوب فردی معین

سیر تاریخی مکاتب (گرایش های) هنری در صد ساله اخیر

الف- در هنرهای نیمه دوم قرن بیستم تقریباً نوعی حرکت تکاملی احساس می شود + به عبارت دیگر هنرها از پس یکدیگر به وجود می آیند + تاثیر مکاتب نیمه دوم قرن نوزدهم



حداکثر تا دهه ۱۹۲۰ در قرن بیستم باقی می ماند.

ب- مکاتب هنری عصر مدرن به مراتب بیشتر از مکاتب هنری نیمه دوم قرن نوزدهم دارای سیر تکاملی هستند + به عبارت دیگر تقریباً همگی آنها یکی پس از دیگری رخ بر می نماید + اثر مکاتب هنری عصر مدرن در هیچ گرایشی به عصر پست مدرن امتداد نمی یابد.

ج- مکاتب هنری عصر پست مدرن برخلاف مکاتب هنری عصر مدرن همگی همزمان با یکدیگر شکل می گیرند + به عبارت ساده همه آنها با یکدیگر دارای همپوشانی هستند.

تعریف واژه امپرسیونیسم

واژه امپرسیونیسم از کلمه فرانسوی امپرسیون به معنی احساس ناشی می شود + این اصطلاح نخستین بار توسط منتقدان آنها استفاده شد + منتقدان این اصطلاح را برای توصیف اثری به کار بردند که براساس معیار های آکادمیک آن زمان هنوز ناتمام بود + از این واژه خود امپرسیونیست ها نیز استقبال کردند.

شکل گیری امپرسیونیسم

این مکتب در سال ۱۸۶۳ و در فرانسه شکل گرفت + اما نام امپرسیونیسم در سال ۱۸۷۴ شکل گرفت + این مکتب تا پایان قرن نوزدهم پویا بود + نام امپرسیونیسم به این دلیل از سوی نقاشان این مکتب مورد استقبال قرار گرفت چون این نام را برآمده از نام نقاشی امپرسیون کلود مونه، بنیانگذار امپرسیونیسم، می دانستند.

امپرسیون / کلود مونه / ۱۸۷۲



بنیانگذار امپرسیونیسم

موسس امپرسیونیسم را **کلود مونه** می

دانند + اما اولین بار **ادوارد مانه** در ۱۸۶۳ تابلو ناهار در سبزه زار را به بی ینال پاریس ارائه کرد و این عصر رد شد و در سالن آثار مردودین ارائه شد + این تابلو با شوک عجیبی به بازدیدکنندگان داد + مضمون تابلو عفت اجتماعی آن عصر را تحت تاثیر قرار داده بود + این کار اولین زمینه های امپرسیونیستی بود (شیوه خلق اثر)

اولین نمایشگاه های رسمی امپرسیونیسم

در ۱۸۷۳ بسیاری از سالن ها از پذیرش آثار امپرسیونیست ها خودداری نمودند + بنابراین آنها در ۱۸۷۴ تحت عنوان انجمن هنرمندان کمنام (مجموعه از نقاشان، مجسمه سازان و ...) در یک سالن اجاره ای آثار خود را به صورت جمعی به نمایش گذاشتند + این کار با واکنش شدید جامعه روبرو شد + آنها در سال ها ۱۸۷۶، ۱۸۷۷، ۱۸۷۹، ۱۸۸۰، ۱۸۸۱، ۱۸۸۲ و ۱۸۸۶ نمایشگاه های دیگری نیز بصورت جمعی برگزار کردند + پس از برگزاری آخرین نمایشگاه تشکل امپرسیونیست ها از هم پاشید و فقط مونه یک تنه این تفکر را ادامه می داد.



فرهنگستان هنر فرانسه و امپرسیونیست

فرهنگستان هنر فرانسه از نظر استاندارد های زیباشناختی تغییر در بیان هنر کلاسیک نقاشی را جایز نمی دانستند + امپرسیونیست ها اولیه در دهه ۱۸۶۰ در آموزش آکادمیک نقاشی این اصول را نمی توانستند بپذیرند.

امپرسیونیست ها بر خلاف اصول آکادمیک بازنمایی جهان واقعی را قبول نداشتند + آنها معتقد به ثبت تغییرات گذرا و ناپیدار بودند.

تا قبل از امپرسیونیست ها برای نقاشی چندین طرح مقدماتی باید زده می شد + سپس نسبت ها کامل سنجیده و در نهایت رنگ ها جایگزاری می گردید + نقاش طبیعت را مطالعه و سپس در آتلیه اثر را ثبت می نمود.

نکته ۱: فیگارو در ۱۸۷۶ نوشت: "پنج یا شش آدم روانی، افرادی ناکام و ملوث به پندارهای احمقانه گرد آمده اند و نمایشی رعب آور از بیهودگی انسانی تا سر حد جنون را به نمایش می گذارند. یک نفر نیست به این آقایان عزیز بگوید که درخت هرگز بنفش نیست یا آسمان شبیه گره آب شده نمی باشد."

نکته ۲: ژان لئون ژروم، نقاش معروف فرانسوی، که باید رئیس جمهور را برای بازدید در نمایشگاه بین المللی پاریس ۱۹۰۰ همراهی می کرد زمانی که رئیس جمهور به سالن امپرسیونیست ها رسید گفت: گعلیا حضرت! اینجا افرادی نالایق فرانسوی تجمع و آثارشان را نمایش داده اند."

دلایل شکل گیری امپرسیونیسم

امپرسیونیسم صرفاً یک سبک نقاشی نبود + یک نگرش اجتماعی در زندگی و هنر بود + امپرسیونیست ابتدا در ساختارهای محلی مطرح شد و سپس در اکثر کشورهای غربی فراگیر شد.

رومانتیسیسم: باید حس نمایش داده شود (عشق / نفرت و ...) ≠ امپرسیونیسم: باید حس لحظه ای هنرمند روایت شود = رئالیسم

از امپرسیونیسم به عنوان آغازگر دنیای هنر مدرن نام برده می شود

بخش عمده تاریخ نقاشی و هنر در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به بسط و توسعه جنبش های متأثر از امپرسیونیسم یا رد و نقض امپرسیونیسم می پرداخت

الف- پیشرفت علوم شیمی، فیزیک و آگاهی بیشتر دنیا نسبت به نور و رنگ

ب- افزایش تعدا هنرجویان نقاشی و در نتیجه زیاد شدن تنوع فکری قشر نقاش

ج- تغییر نگرش جامعه از ذهنیت و تخیل گرایی به واقع بینی

د- صنعتی شدن جامعه و در نتیجه افزایش تکنولوژی و توجه به تاثیرات زودگذر

ه- اختراع و گسترش عکاسی و در نتیجه از رونق افتاد نقاشان طبیعت گرای تخیلی

امپرسیونیست ها به بیان اصلاحات اجتماعی و روایتگری اخلاقیات کاری نداشتند

ویژگی های هنر امپرسیونیسم

- الف- خودداری از استفاده از رنگ های تیره و تاریک
- ب- کم توجهی به خطوط اصلی اشیا و اجسام
- ج- استفاده از زاویه های دید ابتکاری و متنوع
- د- ایجاد فضای شاد و ظریف
- ه- بازی با رنگ و نور و حرکت

ویژگی های رنگ در آثار امپرسیونیست ها

- الف- توجه به تغییرات نور در رنگ ها و تاثیر آن در ساعات مختلف روز
- ب- تاثیر جو خط افق در رنگ ها که در فواصل مختلف قرار دارند.
- ج- انعکاس رنگ های اشیا مختلف در یکدیگر
- د- کنار هم قرار دادن رنگ های مکمل به منظور ایجاد شادابی و درخشندگی بیشتر
- ه- ترکیب نکردن رنگ ها در یکدیگر تا حد امکان و به کار بردن رنگ های خالص

امپرسیونیست مقید نیست که حقیقت صحنه را نشان دهد، بلکه آن چیزی که از آن صحنه درک می کند را منعکس می سازد

امپرسیونیست ها به دنبال کشف این موضوع بودند که چگونه رنگ قادر به ثبت دریافت های احساسی آنی است.

عمده امپرسیونیست ها علاقه به ثبت و خلق اثر در خارج از آتلیه و در فضای باز و هوای آزاد داشتند تا مستقیم تر با طبیعت در تماس باشند

امپرسیونیست ها (بویژه ادوارد مانه) معتقد است که اثر نقاشی با عکس باید متفاوت باشد.

ادبیات امپرسیونیستی

نویسنده حال و هوای روانی خویش را منعکس می سازد و به دنبال توصیف عینی برای خواننده نیست.

موسیقی امپرسیونیستی

موسیقی توصیفی است، یعنی هارمونی و وزن آشکار ندارد و موسیقی کیفیتی مبهم و غیر آشکار دارد + شور و هیجان و حماسی گونه بودن در موسیقی امپرسیونیستی جایی ندارد.

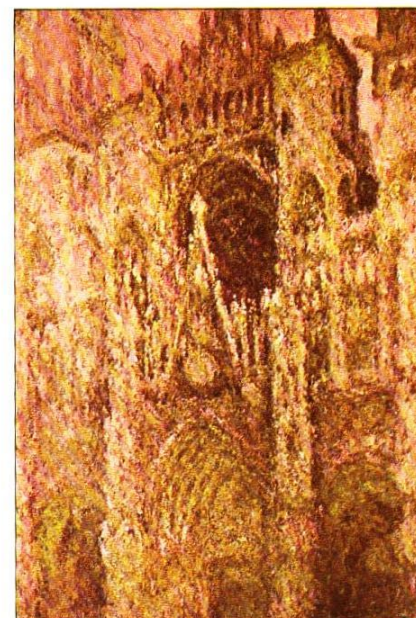
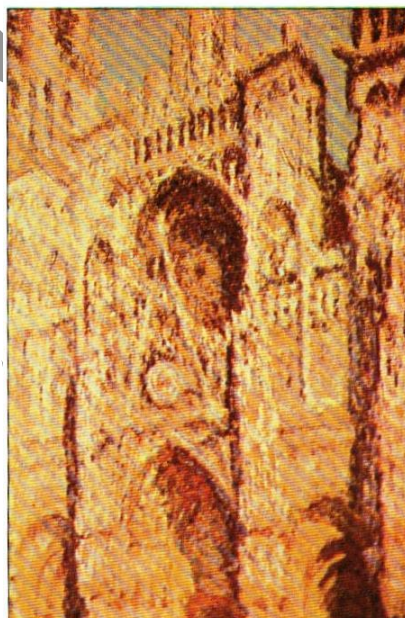
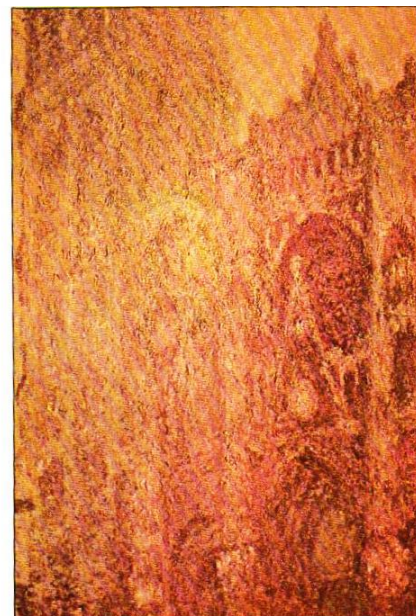
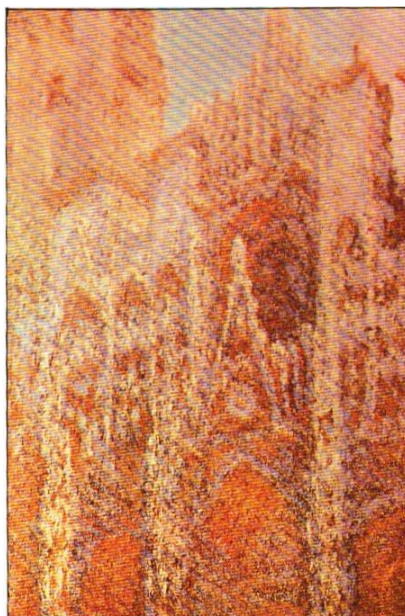
موضوعات نقاشان امپرسیونیست

صحنه های خوشگذرانی + رقص خانه ها + تالارهای موسیقی + تئاتر و سیرک → همگی دارای حرکت هستند

وقایع تاریخی + موضوعات اسطوره ای + صحنه هایی از زندگی اشراف جایی بین موضوعات امپرسیونیست ها ندارد.

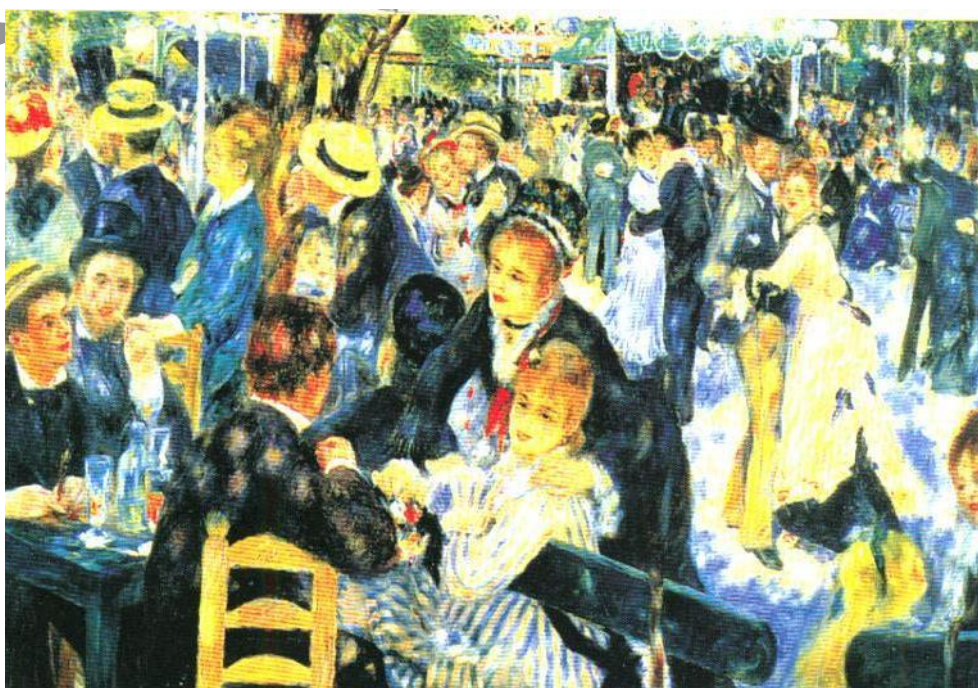
کلیسا جامع روئن - کلود مونه - ۱۸۹۳

در این اثربیش از ۳۰ تصویر توسط مونه از جهت بررسی کیفیت نور و رنگ و هارمونی آنها در نیمروز، بعد از ظهر، و غروب خلق می شود + کاملا مشخص است که فرم فای ترسیم نور و بازی رنگ می شود و چشم قادر به تشخیص حدود مشخص اشکال نمی باشد. طرح کلیسا جامع کم رنگ است. مونه در این کار می خواهد به ما بیاموزد که ما زمانی می توانیم چیزی را بشناسیم که دریافت های آنی و تاثیرات حس لحظه ای را بتوانیم در کنار هم قرار دهیم.



رقص در دولاگات - آگوست رنوار - ۱۸۷۶

لرزانی نور در کار کاملا قابل حس است + مضمون تصویر باید حرکت را القا نماید



رنگ

جاده، درختان سرو و ستارگان - ونسان ون
گوگ

رنگ های سرد و گرم مکمب یکدیگر بوده و
به خوبی در کار پراکنده شده اند _ کار موج
می زند و حس حرکت را القا می کند + در کار
سایه وجود ندارد + به گفته خود ون گوگ به
جای آن که فرم ها شکل های اثر را بوجود
آورند، رنگ ها به تصویر شکل داده اند + این
شیوه ون گوگ مبدا حرکت به سمت فویسم
در عصر مدرنیسم است.



مدرنیسم